

مبانی و شیوه‌های هنر خودشناسی (حکمت و هنر) از دیدگاه ابن عربی

چکیده

در مباحث عرفانی، یکی از مفاهیم درخور توجه، معرفت نفس یا همان خودشناسی است. از جمله عرفایی که در این زمینه بسیار تلاش کرد، محی‌الدین ابن عربی، پدر علم عرفان نظری در قرن هفتم هجری بوده است. شناخت خود یا معرفت نفس مبنای شناخت تمام حقایق و شرط خروج از تحیر و سرگردانی در این عالم است که با به اعتدال رساندن روح و مزاج طبیعی بدن امکان‌پذیر می‌باشد. ابن عربی، معرفت نفس را مبنایی برای معرفت ربّ می‌داند. در این مقاله با بررسی جهان‌بینی و درک معرفت نفس از دیدگاه او، برای رسیدن به این مهم به راهکارهایی همچون تزکیه نفس، ذکر، فکر، نفی خواطر و شناخت بیماری‌های نفوس؛ نیز درک تأثیرگذاری بیماری‌های مزاج در مسیر خودشناسی می‌توان دست یافت. از طرفی به بررسی موانع دستیابی به معرفت نفس پرداخته شده است. جایگاه هنر در منظومه فکری ابن عربی از دیگر مسائل مورد ارزیابی در این پژوهش است. در نهایت می‌توان گفت سنت عرفانی ابن عربی بر شناخت‌پذیری نفس برای رسیدن به معرفت رب تأکید دارد و برای این منظور، هم از درون انسان و هم از برون او کمک گرفته است. روش تحقیق این مقاله بر پایه مطالعه کتابخانه‌ای استوار است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مبانی هنر خودشناسی از دیدگاه عرفانی محی‌الدین ابن عربی.
۲. بررسی هنر از دیدگاه عرفانی محی‌الدین ابن عربی.

سوالات پژوهش:

۱. مبانی هنر خودشناسی از دیدگاه عرفانی محی‌الدین ابن عربی چیست؟
۲. ابن عربی چه دیدگاه‌هایی درباره هنر دارد؟

کلیدواژه‌ها: معرفت رب، معرفت نفس، هنر خودشناسی، مزاج، هنر.

مقدمه

خودشناسی از منظر وجودگرایانه^۱ ابن عربی عبارت است از معرفت رب که از معرفت نفس به دست می‌آید؛ دو مرتبه دارد: مرتبه اول در معرفت نفس این است که سالک از شناخت نفس خود پی به شناخت ربّ خود می‌برد. مثلاً پی به کمالات رب می‌برد و این شناخت در ابتدای حال است که انسان از اثر، پی به مؤثر می‌برد؛ اما در مرتبه دوم شناخت نفس از طریق شناخت رب و کشف ظهور او در مظاهر گوناگون است که در واقع از معرفت رب به معرفت نفس راه می‌یابد و نفس خود را به عنوان مظهری از مظاهر حق تعالی بازمی‌شناسد. واضح است که این شناخت از شناخت اول کامل تر است. تزکیه نفس و مزاج، ذکر و فکر، ابزارهای دست‌یابی به معرفت نفس می‌باشند. او نفس را از جهتی قابل شناخت و از جهتی غیرقابل شناخت می‌داند. معرفت نفس به اعتبار صفات و کمالاتش برای اهل معرفت امکان‌پذیر است. این معرفت، معرفت بالوجه نامیده می‌شود. اما از طرفی معرفت بالکنه نسبت به ژرفای نفس امکان‌پذیر نیست. انسان از درک حضوری تمام لایه‌ها و مراتب و اعماق نفس خویش ناتوان است؛ چراکه خدا همه واقعیات و به‌ویژه نفس انسانی است. از این رو، حق تعالی عین هویت و حقیقت نفس است و شناخت ذات حقیقت الهی، ناممکن است. هدف از پژوهش حاضر، این است که روشن شود چه الگویی برای خودشناسی از دیدگاه ابن عربی وجود دارد و چگونه می‌توان تعادل بین ابعاد روحانی و جسمانی انسان برقرار کرد، همچنین چگونه می‌توان از طریق به‌کارگیری اسماء‌الله در زندگی روزمره به تعالی در جان که همان معرفت نفس است، دست یافت.

در بعضی از تحقیقات به موضوع خودشناسی از جنبه‌های مختلف پرداخته شده است. رجبی (۱۳۹۲) در مقاله «تحلیل تطبیقی خودشناسی در معرفت به خدا از دیدگاه ملاصدرا و ابن عربی»، به بررسی تطبیقی در این حوزه دست زده است. رحیمیان (۱۳۸۴) در مقاله «ارتباط خودشناسی با خداشناسی در عرفان ابن عربی»، به بررسی خودشناسی در عرفان ابن عربی و پیوستگی عمیق آن با خداشناسی پرداخته است. صلواتی (۱۳۸۵) در مقاله «ارتباط خودشناسی و خداشناسی نزد ابن عربی و ملاصدرا» نیز به بررسی مقوله خودشناسی و خداشناسی در اندیشه‌های ابن عربی پرداخته است. مهدی‌پور و بهادری (۱۳۹۰) در مقاله «خودشناسی و اهمیت آن در اشعار حسن‌زاده آملی» به بررسی مقوله خودشناسی در مضامین شعری پرداخته است. گل صنملو و گل صنملو (۱۳۹۴) نیز در مقاله «خودشناسی و خودباوری در اشعار اقبال لاهوری» این مقوله را در حوزه شعری دنبال کرده است. در آثار ذکر شده به بررسی ارتباط خودشناسی و خداشناسی، همچنین به اهمیت آن از دیدگاه افراد گوناگون پرداخته شده است؛ اما در مقاله حاضر، علاوه بر اینکه خودشناسی از دیدگاه عرفانی ابن عربی مورد مطالعه قرار گرفته است به شیوه‌های رسیدن به این مهم و جایگاه هنر در دیدگاه‌های ابن عربی کاملاً پرداخته شده است که در آثار پیشین شاهد آن نبودیم.

نتیجه‌گیری

از آنجا که محی‌الدین ابن عربی شناخت خود را مهم‌ترین مسئله و هدف آدمی در زندگی می‌دانند، نهایت خودشناسی را در رسیدن به خداشناسی می‌پندارد. او تنها راه رسیدن به این امر را از درون انسان می‌جوید و راه‌هایی برای معرفت نفس ارائه می‌دهد که از مطالعه آثار ایشان به عواملی از جمله تزکیه نفس، درمان بیماری‌های نفس و مزاج طبیعی

۱. وحدت وجود نظریه معروف منسوب به ابن عربی است که مطابق با آن وجود دارای حقیقتی واحد اما دارای مراتب یا اطوار کثیر است. وحدت در عین کثرت مراتب را وحدت تشکیکی وجود و وحدت در عین کثرت اطوار را وحدت شخصی وجود می‌نامند.

انسان، مراقبه، تقوا، شناخت خواطر، خلوت، ذکر و در نهایت به فکر می‌توان دست یافت. به نظر می‌رسد راهکارهای عینی و متعارف که در دسترس یا در خور فهم انسان باشند سهم بیشتری را در راه شناخت خود در اختیار دارند و همگی این‌ها به خصوص مراقبه و تزکیه نفس و مزاج در این راه بسیار مؤثر هستند. در نهایت، مهم‌ترین مانع در رسیدن به خودشناسی، غفلت خود انسان است و نه عوامل بیرونی نظیر وراثت یا مکان زندگی و

ابن عربی نه تنها نسبت به معنا و مفهوم «فن» و «صناعت» اندیشه‌ای خنثی نداشته و با مفاهیم مذکور در زمان خود آشنا بوده است، بلکه در بُعد نظری، صناعات محسوس و یا آثار هنری را در یکی از مهم‌ترین آثار خود مورد مذاقه قرار داده و به ساحت نظری هنر و زیبایی ورودی متأملانه و جدی داشته است. از سوی دیگر، تأملات نظری وی در ساحت هنر و زیبایی نشان‌دهنده آن است که این دو مفهوم، در سیطره مطلق مکتب «وحدت وجودی» ابن عربی قرار داشته‌اند.

فهرست منابع و مآخذ:

قرآن کریم.

ابن عربی، محی‌الدین. (۱۲۹۳ ق). الفتوحات المکیه. بولاق.

----- (۱۳۸۸). تهذیب اخلاق. تهران: جامی.

----- (۱۳۷۵). رساله وجودیه. مصحح: نجیب مایل هروی، تهران: مولی.

----- (۱۳۸۱). ریاضت سالکین. به اهتمام: ع-ف. قم: آل علی(ع).

----- (۱۳۸۵). فصوص الحکم. ترجمه و تحلیل: محمد علی موحد و صمد موحد، تهران: کارنامه.

----- (۱۳۹۶). مجموعه رسائل عرفانی. تصحیح دکتر ابراهیم مهدی، تهران: جامی.

----- (۱۳۹۷). نفائس العرفان. تحقیق: سعید عبدالفتاح، تهران: مولی.

پارسا، خواجه محمد. (۱۳۵۴). قدسیه. محقق: احمد طاهری عراقی، تهران: طهوری.

جندی، مؤیدالدین. (۱۳۶۶). نفحه الروح و تفحه الفتوح. محقق: نجیب مایل هروی، تهران: مولی.

حکمت، نصراله. (۱۳۸۴). حکمت و هنر در عرفان ابن عربی (عشق، زیبایی و حسرت)، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.

حکیم، سعاد. (۱۳۹۴). دانشنامه اصطلاحات ابن عربی. تهران: مولی.

راضی، مجیدالدین. (۱۳۷۹). مرصاد العباد. تهران: علمی و فرهنگی.

سعیدی، گل بابا. (۱۳۹۲). فرهنگ جامع اصطلاحات عرفانی با تکیه بر آثار ابن عربی. تهران: زوار.

عطار نیشابوری، فریدالدین محمد. (۱۳۸۵). مصیبت‌نامه. تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ هفتم، تهران: سخن.

عمید، حسن. (۱۳۵۶). فرهنگ فارسی. تهران: نشر امیر.

قونوی، صدرالدین. (۱۴۱۷ق). اعجاز البیان فی تفسیر ام القرآن. ترجمه: محمد خواجه‌جوی، تهران: مولی.

----- (۱۳۷۵). نفحات الهیه. تهران: مولی.

- (۱۳۸۱). آفاق معرفت. محقق: نجف قلی حبیبی، قم: اشراق.
- قیصری، داود. (۱۳۶۳). شرح قیصری بر فصوص الحکم. تهران: نشر بیدار.
- (۱۳۸۷). شرح فصوص الحکم. تهران: حکمت.
- کاشانی، عبدالرزاق. (بی تا). شرح منازل السائرین. تهران: بیدار.
- کرد افشار، غلامرضا؛ محمدی کناری، حوریه؛ اسماعیلی، سعید و مقیمی، مریم. (۱۳۹۳). تغذیه در طب ایرانی - اسلامی، تهران: نشر نسل نیکان.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۸۶). بحار الانوار. قم: ناشر اسلامیه.
- مقری، احمد. (۱۳۸۸). نفع الطیب. به کوشش: احسان عباس، بیروت.
- همدانی، سید علی. (۱۳۷۰). شش رساله. مصحح: محمد ریاض، پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.